

بررسی رابطه متقابل حقوق مالکیت و تخصیص منابع اقتصادی با تأکید بر ادبیات اقتصاد اسلامی

محمد رضا یوسفی^۱

سید محسن سجادی^۲

مریم خسروی زاده^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۱۵

چکیده

تبعیض اقتصادی در اسلام، از مصادیق بی‌عدالتی قلمداد شده و بر شاخص‌هایی از جمله حقوق مالکیت اثر می‌گذارد. زمانی که فرصت‌های شغلی و سرمایه‌گذاری به ناحق توزیع گردد یعنی افراد مستعد و مستحق فقط به دلیل عدم دسترسی به رانت و روابط خاص، محروم بمانند دچار نارضایتی و دل‌سردی می‌گردند. جنبه‌های متفاوت نارضایتی در عرصه‌های گوناگون به اشکال مختلفی بروز می‌کند؛ عده‌ای به دنبال بی‌قانونی‌های مکرر در حوزه تخصیص منابع و سرمایه، خود به بی‌قانونی روی می‌آورند و انواع جرائم اقتصادی در جامعه ظاهر می‌گردد. با این شرایط، ناامنی بر جامعه سایه گسترانیده و حقوق مالکیت نیز به خطر می‌افتد. همچنین فرصت‌های شغلی و سرمایه‌گذاری به علت افزایش ریسک و مخاطرات اجتماعی، کاهش یافته و اقتصاد به رکود می‌گراید. در این مقاله، تلاش گردیده رابطه میان شاخص حقوق مالکیت و شاخص توزیع منابع و فرصت‌های اقتصادی در اقتصاد اسلامی به صورت دوسویه بررسی گردد. برای این کار به تجزیه و تحلیل منابع کتابخانه‌ای پرداخته شده که یافته‌ها نشان می‌دهد، این دو شاخص دارای رابطه مستقیم و متقابل می‌باشند.

کلمات کلیدی: تخصیص منابع، فرصت‌های اقتصادی، تبعیض، نابرابری، حقوق مالکیت، عدالت اقتصادی، امنیت اقتصادی.

طبقه‌بندی JEL: J7, P48, D63, D3

۱. دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه مفید

۲. عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه مفید

۳. کارشناس ارشد اقتصاد اسلامی دانشگاه مفید

myosefis@mofidu.ac.ir

sajjadi@mofidu.ac.ir

mary.khosravy@yahoo.com

مقدمه

تبعیض اقتصادی در نظام اسلامی، به عنوان یکی از مصادیق وجود بی‌عدالتی قلمداد شده و می‌تواند بر شاخص‌های متأثر از بی‌عدالتی اثر گذارد. یکی از این شاخص‌ها حقوق مالکیت خصوصی در حوزه مسائل مربوط به امنیت اقتصادی می‌باشد. زمانی که فرصت‌های شغلی و سرمایه‌گذاری در یک جامعه به ناحق توزیع گردد یعنی عده‌ای افراد مستعد و مستحق تنها به دلیل عدم دسترسی به رانت و روابط خاص، از حقوق خویش محروم بمانند موجبات نارضایتی و دلسردی میان مردم فراهم می‌گردد. جنبه‌های متفاوت نارضایتی در عرصه‌های گوناگون به اشکال مختلفی بروز می‌کند؛ عده‌ای به دنبال بی‌قانونی‌های مکرر در حوزه تخصیص منابع و سرمایه، خود به بی‌قانونی روی می‌آورند و موجب افزایش جرائم اقتصادی در جامعه می‌گردد. با افزایش بی‌قانونی‌های بروز یافته، سطح امنیت اقتصادی جامعه کاهش پیدا کرده، بنابراین راه‌اندازی کسب و کار و انجام سرمایه‌گذاری به علت افزایش ریسک و مخاطرات اقتصادی شدیداً کم می‌شود. لذا امکان اشتغال و کسب درآمد کم شده و می‌تواند به مشکلات مالی مانند کاهش درآمد، افزایش نابرابری و فقر دامن بزند. با کاهش درآمد عده‌ای با نומیدی و دلسردی دست از پیشه خویش می‌کشند و در پی تامین معاش خویش نمی‌روند در نتیجه بازارها از رونق می‌افتد. در شرایط بحرانی‌تر افراد مستعد و محروم از کشور مهاجرت می‌کنند پس از جمعیت کاسته خواهد شد و ممکن است اقتصاد دچار رکود شود. در چنین شرایطی حقوق مالکیت در زمره اولین شاخص‌های امنیتی خواهد بود که آماج تهدید و تعرض قرار خواهد گرفت. اگر روند حاکم بر جامعه تداوم یابد، اوضاع بحرانی‌تر شده و امکان دارد امنیت سیاسی و نظامی کشور نیز به خطر افتد.

در این پژوهش، پس از مرور پیشینه و ادبیات موضوع، به بیان چارچوب نظری پرداخته و رابطه میان شاخص حقوق مالکیت و تخصیص منابع اقتصادی به عنوان دو شاخص در حوزه امنیت اقتصادی و عدالت اقتصادی براساس آیات و روایات و سخن بزرگان و اندیشمندان مسلمان در عرصه اقتصاد تجزیه و تحلیل خواهد شد.

۱- ادبیات موضوع

۱-۱- مفهوم تبعیض در تخصیص منابع و فرصت‌های اقتصادی

در فرهنگ لغت، تبعیض به معنای «بعضی را بر بعضی دیگر بدون دلیل موجه و عادلانه ترجیح دادن» تعریف شده است (عمید، ۱۳۵۵: ۲۰۹)؛ به عبارت دیگر، تبعیض به معنای این است که فردی بدون این که امتیاز و شایستگی خاصی داشته باشد، بر افراد دیگر که با او از هر لحاظ برابرند، ترجیح داده شود. (عزتی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۱) تبعیض رابطه مستقیمی با ساختارهای قدرت اجتماعی دارد. افراد و گروه‌هایی که از قدرت نفوذ اجتماعی کمتری برخوردار می‌باشند، از حقوق یکسان با سایر افراد و یا گروه‌ها بهره‌مند نیستند. (نیسی و جوانمردی، ۱۳۹۴: ۱۱۰)

کمیته حقوق بشر در تفسیر عام شماره ۱۸ مفهوم تبعیض را این گونه تعریف کرده است: «هرگونه تمایز، انحصار، محدودیت یا اولییتی که براساس نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی و دیگر عقاید، منشأ ملی یا اجتماعی، اموال، تولد (نسب) یا دیگر وضعیت‌ها صورت گرفته و هدف از آن، محروم نمودن یا عدم شناسایی حقوق بشری و آزادی‌های اساسی افراد در زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و دیگر زمینه‌های عمومی بوده یا چنین اثری داشته باشد.» (CCPR General comment No.18: Non Discrimination; para.6).

تبعیض از دو طریق منجر به ایجاد نابرابری می‌شود، یکی تبعیض در نظام اشتغال و دیگری تبعیض در توزیع ثروت و واگذاری سرمایه. عامل اصلی تحصیل درآمد و کسب عائدی، نظام کار و تولید می‌باشد. لذا یکی از دلایل ایجاد تفاوت میان افراد، تفاوت در شاغل یا بیکار بودن آنان است. موانعی که باعث محرومیت مردم از مشارکت در بازارها می‌شوند عامل مهمی در افزایش بیکاری هستند، مانند: مقررات گرفتن پروانه و ویژگی‌های اقتصادی که سهولت دستیابی عده‌ای از مردم را به بازارها (از قبیل دسترسی کسب و کارهای کوچک به بازارهای اعتبارات بخش رسمی) کم می‌کنند. همین‌طور از موانع دیگری که می‌توان برشمرد، تبعیض‌های آشکاری است که تحرک شغلی را کاهش می‌دهد و عده‌ای را از فرصت‌های کسب درآمد بیشتر به دلیل نژادی، قومی، جنسیتی یا خصوصیت‌های دیگر محروم می‌کند (گریفن و کنلی، ۱۳۷۷: ۴۰).

تبعیض ممکن است هر پایه و اساسی، مانند جنسیت، نژاد، قوم، زبان، دین و تابعیت داشته باشد؛ و به نظر می‌رسد که این تبعیض‌ها تنها هنگامی محدود خواهند شد که نوع بشر تفکر و تصور خود را تغییر دهد و برای متمایز نمودن گروهی از گروه دیگر ملاک منطقی و موجهی بپذیرد. در فضای اقتصادی می‌توان چنین پنداشت که تبعیض ممکن است دو منظور را برآورد: یکی این‌که شغل‌های معین بسیار مطلوب و پردرآمدی را برای یک اقلیت ممتاز حفظ کند، دیگر آن‌که، گروه‌های معینی از افراد را به شغل‌های کم‌درآمد و نامطلوب‌تر محدود سازد.

مکارانه‌تر از تبعیض آشکار، موانعی هستند که در برابر ورود شغل‌های معینی وجود دارند. مثلاً در آمریکای آندی^۱ کسانی که به زبان بومی صحبت می‌کنند و لباس‌های بومی می‌پوشند مشکل بتوانند شغل‌های شهری که دستمزد نسبتاً خوبی دارند یا شغل‌هایی در ادارات دولتی به دست آورند. این افراد به ناچار به منطقه‌های روستایی و به بخش غیر رسمی شهری محدود شده‌اند (همان: ۴۱).

موارد دیگر تبعیض در نظام اشتغال که منجر به نابرابری فاحش درآمد و فقر گسترده می‌شود، تبعیض جنسیتی است. بسیاری از مشاغل در عمل متعلق به مردان است (سیاست، حرفه‌های مرتبط با قانون، پست‌های ارشد در اداره‌های دولتی، اشتغال در نیروهای مسلح و پلیس) و حتی در جاهایی که موانع رسمی ورود به شغل وجود ندارد، زنان با «سقف‌های نامرئی» روبه‌رو می‌شوند که از صعود آن‌ها به بالای نردبان ترقی شغلی جلوگیری می‌کنند. اشتغال برای زنان در بخش رسمی به شغل‌هایی مانند منشی‌گری، متصدی فروش و خدمت‌گذاری در خانه محدود می‌شود (همان: ۴۳).

کارگران در بخش غیررسمی شهری و شغل‌های روستایی اجرت بسیار کمی دریافت می‌کنند و کارکنان بخش رسمی شهری معمولاً از دستمزدهای نسبتاً بالایی برخوردارند. این حقوق‌های بالا نیز غالباً نتیجه تصمیم شرکت‌هایی است که دستمزدهایی بالاتر از سطح تعادل بازار می‌پردازند، برای آن که آهنگ تغییر و تعویض کارکنان خود را آهسته کنند.

نوع دیگر تبعیض، تبعیض در تخصیص منابع براساس الگوهای نابرابر و کاملاً متمرکز توزیع دارایی و ثروت است. به‌طور میانگین ۲۰ درصد از جمعیت یک کشور معمولاً بیش از ۵۰ درصد درآمد ملی آن را کسب می‌کنند، به‌این دلیل که ۲۰ درصد احتمالاً مالکیت و احاطه بیش از ۹۰ درصد منابع تولیدی و دارایی‌های فیزیکی (به‌ویژه سرمایه‌های مادی و زمین) را در اختیار داشته، علاوه بر آن سرمایه‌های مالی (اوراق قرضه و سهام) و سرمایه‌ی انسانی را نیز (به شکل تحصیلات و بهداشت) بهتر در دست دارند (پیکتی، ۱۳۹۳: ۳۱۷-۳۲۰).

دسترسی ناهمگون افراد به سرمایه‌ی انسانی - به شکل آموزش و مهارت‌ها - مثال دیگری از توزیع نابرابر مالکیت دارایی‌های مولد است. اگر سیاست عمومی دسترسی گسترده به فرصت‌های آموزشی (برای پسران و دختران) را به مثابه ابزاری به منظور افزایش درآمدهای بالقوه افراد به کار نگیرد، نابرابری هم‌چنان به قوت خود باقی می‌ماند. به این ترتیب معلوم می‌شود دیگر دلایل ایجاد تبعیض، احاطه متمرکز بر دارایی‌ها، توزیع نابرابر قدرت، و دسترسی نابرابر به فرصت‌های آموزشی و درآمدی است (تودارو و اسمیت، ۱۳۹۱: ۲۵۹).

آنچه در این مقاله از مفهوم تبعیض مورد نظر و بررسی قرار گرفته، تبعیض در تخصیص منابع اقتصادی و نابرابری در دسترسی افراد به فرصت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری می‌باشد که هیچ منطق عادلانه و منصفانه‌ای برای آن وجود ندارد.

۱-۲- مفهوم حقوق مالکیت

از دیدگاه حقوقی، مالکیت مجموعه‌ای از حقوق مدون می‌باشد. این حقوق نشان می‌دهد که افراد با منابعی که مالکشان هستند چه کارهایی می‌توانند انجام دهند و چه کارهایی نمی‌توانند به انجام رسانند؛ مثل محدوده‌ای که قادر به تصرف، استفاده، توسعه، تغییر، مصرف و تخریب آن هستند، یا بفروشند، ببخشند، وصیت کنند، اجاره یا قرض دهند و یا دیگران را از استفاده‌ی آن مستثنا کنند.

این حقوق ممکن است از نسلی به نسل دیگر تغییر کند. (Cooter & Ullen, 2008 : 105)

حقوق مالکیت، ابزار یک جامعه است و اهمیتش را از این حقیقت می‌گیرد که به فرد کمک می‌کند تا منطقاً انتظاراتی که می‌تواند در ارتباطش با دیگران داشته باشد، شکل دهد. این انتظارات در قالب قوانین، رسوم و سنن یک جامعه بیان می‌شود. دارنده حقوق موقعیتی را به دست آورده است که در مقایسه با همتای خود، اجازه دارد به شیوه خاصی عمل کند. مالک انتظار دارد مانع مداخله دیگران در اعمال خود شود، البته مشروط به آن که این اعمال در تعریف حقوق او ممنوع نشده باشد. (دمستز، ۱۳۸۰: ۷۶)

حقوق مالکیت از یک سو به مالک این امکان را می‌دهد که مانع استفاده رایگان دیگران شود و از سوی دیگر، انگیزه سرمایه‌گذاری برای بهبود کیفیت منابع را افزایش می‌دهد، بنابراین نوعی تضمین برای تداوم و رشد تولید ایجاد می‌کند. در عین حال حقوق مالکیت چارچوب نهادی لازم برای تخصیص منابع را فراهم می‌آورد. (رنانی، ۱۳۷۶ : ۲۹۰-۳۱۱)

وقتی حقوق مالکیت، کاملاً روشن و بازارها کاملاً توسعه یافته هستند، بسته‌های منافع حاصل از وثیقه بر املاک و مستغلات را می‌توان ترکیب کرده و تبدیل به اوراق بهادار سرمایه‌گذاری جدید کرد. سپس این اوراق بهادار امکان گردآوری پول سرمایه‌گذاری شده در املاک و مستغلات را فراهم می‌کند و بنابراین اعطای وام‌های بیشتر و ارزان‌تر امکان‌پذیرتر می‌شود. اگر بانک نمی‌توانست مطمئن شود مالک ملک به وثیقه گذاشته شده چه کسی است، به وام دادن تمایلی پیدا نمی‌کرد. به طور مشابه، اگر بانک فکر نمی‌کرد که نمی‌تواند وثیقه را به پول تبدیل کند، تمایلی به وام دادن نداشت. (Morris, 2007: 13)

به طور کلی می‌توان گفت: حقوق مالکیت به حق مالک در استفاده از کالا و دارایی برای مصرف و تولید اشاره دارد. این حق شامل حق انتقال به شخص دیگر در قالب هدیه و میراث یا از طریق انعقاد قرارداد با دیگران در قالب فروش، اجاره، وثیقه یا اعطای هر نوع اختیاری به

دیگران برای استفاده از آن است. در بخش بعد به بررسی پیشینه مطالعه پرداخته و پژوهش‌هایی که تاکنون در زمینه بررسی رابطه میان این دو شاخص انجام شده‌اند را ذکر می‌نماییم.

۲- مطالعات پیشین

تاکنون پژوهش‌های بسیاری در زمینه بررسی هر دو شاخص به‌طور جداگانه و یا بررسی تأثیرات آن بر شاخص‌هایی مانند توسعه اقتصادی و شاخص‌های توسعه انسانی صورت گرفته است. شاخص تبعیض اقتصادی در این پژوهش‌های وسیع به طور معمول از بعد جنسیتی آن بررسی شده و نابرابری‌های جنسیتی در پرداخت دستمزد، بیمه کارگران و استخدام شغلی مورد بررسی قرار گرفته است (براتی‌نیا ۱۳۷۹، احمدوند ۱۳۸۳، فکوهی ۱۳۸۴، سلیمانی ۱۳۸۶، اسفندیاری و موثقی ۱۳۸۷، جعفری و قربان‌نیا ۱۳۸۸، آقاجانی ۱۳۸۹). در تحقیقات دیگر نیز تبعیض نژادی و قومی و منطقه‌ای مدنظر بوده است (محمودی ۱۳۸۸، شریفی و قره‌باقی ۱۳۸۹، عزتی ۱۳۹۲، عزتی و همکاران ۱۳۹۲). لذا پژوهشی که تبعیض اقتصادی در آن شاخصی برای اندازه‌گیری عدالت اقتصادی مطرح شده و در زمینه تخصیص منابع و فرصت‌های اقتصادی به کار رفته باشد، در دسترس نیست.

در مقالات و کتاب‌هایی که نهادگرایان در باب حقوق مالکیت نگاشته‌اند نیز، معمولاً به بررسی رابطه این شاخص با شاخص‌های پیشرفت و توسعه اقتصادی و سرمایه اجتماعی پرداخته (Morphey 1993, Tornell 1997, Quigging 1988, Sylwester 2001, Cheikbossian 2003, Prasad 2003) و در بررسی با شاخص‌های مربوط به عدالت اقتصادی، تنها چند مقاله در زمینه بررسی رابطه نابرابری با حق مالکیت فکری و معنوی در جهان و ایران به تحریر درآمده است (هیدر و ولسکوئز ۲۰۰۹، دولا و همکاران ۲۰۱۱، اعظمی و روستا ۱۳۸۹، رنانی ۱۳۸۹، شاه‌آبادی و ساری‌گل ۱۳۹۰، خسروی زاده ۱۳۹۳). بنابراین برای بررسی رابطه موجود میان حقوق مالکیت و تخصیص منابع و فرصت‌های اقتصادی مطالعه‌ای صورت نگرفته و پژوهش حاضر کاری نو در این زمینه می‌باشد.

۳- چارچوب نظری

در این بخش ابتدا کانال‌های تأثیرگذاری تخصیص منابع را بر حقوق مالکیت مشخص نموده سپس به بررسی مسیرهای اثرگذاری حقوق مالکیت بر تخصیص منابع می‌پردازیم. در نهایت رابطه متقابل و دوسویه‌ی شاخص‌ها را در اسلام بیان می‌کنیم.

۳-۱- بررسی رابطه تخصیص منابع بر حقوق مالکیت

شاید بتوان گفت تخصیص منابع و فرصت‌های اقتصادی اولین گام در راستای اجرای عدالت اقتصادی است. از آن‌جا که عدالت یعنی دادن حق به حق‌دار^۱، لذا زمانی که در تخصیص منابع و فرصت‌های اقتصادی عدالت رعایت شود یعنی زمینه اشتغال، خدمات و سرمایه‌گذاری برای کسانی که توانایی و دانش مرتبط و لازم آن حوزه را دارند فراهم شود؛ آن عبارت در زمینه اقتصادی یعنی هرکس به کاری گمارده می‌شود که مستحق آن است.

تخصیص فرصت‌های شغلی، فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری، بهره‌مندی از منابع طبیعی، مالی، اقتصادی و... باید براساس ضوابط مبتنی بر عدالت باشد نه برپایه‌ی رانت و روابط. توزیع ناعادلانه‌ی فرصت‌ها و منابع اقتصادی و تبعیض در میان افراد یکسان برای واگذاری منابع و امکانات، منجر به نابرابری درآمد افراد برابر می‌شود. استمرار این روند و تمدید آن در طول زمان منجر به ایجاد شکاف درآمدی و بروز پدیده فقر می‌گردد. لذا، یکی از کانال‌های اثرگذاری تبعیض در تخصیص منابع و فرصت‌ها بر امنیت اقتصادی، بروز نابرابری درآمدی است. زمانی که تبعیض در تخصیص منابع و سرمایه‌های اقتصادی منجر به ایجاد نابرابری گردد، در اثر نابرابری ایجاد شده حقوق مالکیت نیز نادیده گرفته می‌شود (خسروی‌زاده، ۱۳۹۳: ۹۵-۱۰۳).

تعمیق شکاف طبقاتی و در پی آن افزایش فقر و گردش ثروت و موقعیت‌های اقتصادی محدود جامعه در دست عده‌ای معدود و به نفع آنان، به تدریج سبب نارضایتی فقرا و محرومان می‌گردد. فرد نیازمندی که قادر به تأمین معاش خویش نیست و منبع درآمدی هم برای گذران زندگی خود ندارد و به علت تبعیضات موجود از فرصت‌های شغلی و سرمایه‌گذاری نیز محروم مانده، می‌پندارد اگر واگذاری فرصت‌های شغلی، منابع سرمایه‌گذاری و زمینه‌های انجام کسب و کار، عادلانه و منصفانه صورت می‌گرفت و قادر به انجام یک فعالیت اقتصادی می‌شد، از آن عوائدی کسب می‌نمود و ادامه حیات برایش دشوار نبود و دیگر با فقر دست و پنجه نرم نمی‌کرد. لذا تصور می‌کند افراد فعال در صحنه اقتصادی جایگاه و حق او را غصب نموده‌اند، پس احساس نارضایتی پیدا خواهد کرد. تبعیض و تفاوت قائل شدن و ترجیح عده‌ای از مردم بر عده‌ای دیگر، آن دسته افراد را که محروم شده‌اند می‌آزارد. حس نفرت، کینه و انتقام‌جویی را در دلشان پرورش می‌دهد و در مقابل آن عده را که به شکل «عزیز بلاجهت» درآمده‌اند لوس، کم‌حوصله، زودرنج، بی‌کاره و اسراف‌کار می‌کند. در میان یک طبقه حسد، کینه، انتقام، نفرت و دشمنی، و در میان طبقه دیگر کم‌حوصلگی نسبت به کار، استقامت نداشتن، ناشکیبایی، اسراف و تبذیر پیدا می‌شو (مطهری، ۱۳۵۸: ۲۴).

۱. «العدل اعطاء کل ذی حق حقه»

آن دسته از افرادی که بنا بر بی‌عدالتی از رقابت با افراد هم‌سطح و هم‌تراز خود جامانده‌اند، بعد از مدتی دست و پنجه‌نرم کردن با نابرابری و نداری، سرانجام کاسه صبرشان لبریز شده و به اعتراض لب می‌گشایند. در جامعه‌ای که از ابتدا هیچ قانون عادلانه‌ای برای تخصیص منابع و فرصت‌ها وجود ندارد و یا نهادی به منظور اجرا و نظارت بر چنین قوانینی مستحکم نشده است؛ اقامه دعوی و پیگیری‌های قانونی برای زنده کردن حقوق از دست رفته نیز، راه به جایی نمی‌برد. مردمی که کاسه صبرشان لبریز شده و نابرابری امانشان را بریده است، از آن‌جا که فریادشان به گوش کسی نمی‌رسد خود در پی‌زنده کردن حق و حقوقشان وارد صحنه شده، چون با راهکارهای قانونی راه به جایی نبرده‌اند سراغ بی‌قانونی رفته تا شرّ بی‌عدالتی را از سر زندگی‌شان بکنند. کسانی که در شرایط یکسان و مساوی با دیگران از رقابت در یک صحنه برابر محروم مانده‌اند، وضع نابسامان فعلی‌شان را از چشم آنان می‌بینند و معتقدند باید حقشان را هم از همان‌ها باز ستانند. در این شرایط، تضمین حقوق مالکیت افراد دیگر هم به خطر می‌افتد. فقرا و بیکاران هم که بیشترین سهم را برای این بی‌عدالتی پرداخته‌اند با تکیه بر خشم و کینه‌ای که جای عقل نشسته، ممکن است به دنبال اقدامات غیرقانونی خود و در پی آسیب رساندن به تولیدکنندگان و مولدین اقتصادی، چرخه تولید را نیز مختل کنند.

با عدم رعایت قانون و بروز ناامنی اقتصادی، انواع مخاطرات اقتصادی از جمله ریسک معاملات و سرمایه‌گذاری‌ها افزایش یافته و از دیگر سو مردم نیز در حفظ اموال و ثروت خود دچار تردید و نگرانی می‌شوند، لذا این امر پیامدی جز خروج سرمایه از کشور در پی نخواهد داشت. با کاهش میزان سرمایه‌گذاری و تجارت، تولید ملی کاهش یافته، سطح رفاه عمومی کاهش یافته که با توجه به درجه‌ای از نابرابری در جامعه، فقر گسترش می‌یابد. در نتیجه، کانال دوم این سازِ کار، ایجاد پدیده فقر است. فقر، خود به تنهایی می‌تواند عامل نقض حقوق مالکیت گردد. (خسروی‌زاده، پیشین : ۱۱۱-۱۱۶)

این خلدون شرایط جامعه‌ای را که به دلیل ظلم و بی‌عدالتی با کاهش رفاه و آسایش عمومی مواجه شده‌است، این گونه توصیف می‌کند: «تشکیل اجتماع و شکوه و جلال آن و همچنین گردش اقتصاد و رونق بازار آن تنها در پرتوی تکاپو و کار و تلاش مردم در راه مصالح و منافع خودشان است. پس اگر مردم در اثر دلسردی و نومیدی، در راه تأمین معاش خود اقدام نکنند و دست از پیشه‌های خود بکشند بازارها از رونق می‌افتند و اوضاع و احوال، متزلزل و دگرگون می‌شود و مردم در جست و جوی روزی از آن کشور مهاجرت می‌کنند و در نواحی دیگر، بیرون از قلمروی حاکم آن جا پراکنده می‌شوند و در نتیجه از جمعیت آن کشور کاسته می‌شود و شهرها خالی از سکنه می‌شود و اقتصاد دچار رکود می‌گردد.» (خلیلی تیرتاشی، ۱۳۸۰ : ۲۷۸).

امروزه نیز در کشوری که منابع و فرصت‌های اقتصادی برای نیروی کار و سرمایه با اجحاف و به صورت نابرابر توزیع می‌گردد، علاوه بر خروج نیروی کار ساده، ماهر و نخبه، فرار سرمایه نیز اتفاق خواهد افتاد. چون همه افراد بنا به دلایل شخصی و سلیقه‌ای، حاضر به ترک شهر و دیار خود نمی‌شوند؛ اما با اوضاع تبعیض‌آمیزی که حاکم است، ترجیح می‌دهند سرمایه و مال‌التجاره خود را در پروژه‌های سرمایه‌ای و فعالیت‌های اقتصادی دیگر کشورها و جوامع به کار گیرند تا این‌گونه هم در شرایط مطمئن کسب عایدی و درآمد نموده و هم در کشور خود به ادامه زندگی بپردازند. در این صورت موقعیت شغلی بسیاری از افراد که نه مهارت و دانش بالا و نه سرمایه کافی برای سرمایه‌گذاری خارجی دارند، از بین می‌رود. بدین سبب اوضاع اقتصادی کشور به علت کاهش چشم‌گیر سرمایه‌گذاری‌ها، افزایش شدید نرخ بیکاری، تعطیلی بسیاری از مکاسب و پیشه‌ها، نابه‌سامان گشته و به دنبال از بین رفتن امنیت اقتصادی و ایجاد ناامنی، امکان تهدید امنیت در حوزه‌های سیاسی، نظامی و ملی نیز به وجود می‌آید. پس، سومین کانال تبعیض اقتصادی که منجر به بروز ناامنی اقتصادی می‌گردد، مهاجرت نیروی انسانی و فرار سرمایه فیزیکی جامعه می‌باشد. به طور خلاصه سه کانال اثرگذاری تخصیص منابع و فرصت‌های اقتصادی بر حقوق مالکیت عبارتند از: ۱) نابرابری درآمدی، ۲) فقر و ۳) مهاجرت سرمایه انسانی و فیزیکی. در بخش بعدی کانال‌های اثرگذاری از حقوق مالکیت بر تخصیص منابع را بررسی می‌کنیم.

۳-۲- بررسی رابطه حقوق مالکیت بر تخصیص منابع

تا پیش از انتشار قضیه کوز، نظریاتی در میان اقتصاددانان رواج داشت که توزیع حقوق مالکیت را بر تخصیص منابع بی‌اثر می‌شمرد. اما چیزی که در جهان واقع اتفاق می‌افتد انجام مبادلاتی است که هزینه آن‌ها در اغلب موارد مخالف صفر است و این واقعیت، راه را برای اثرگذاری حقوق مالکیت بر تخصیص منابع باز می‌کند (شریف‌زاده و نادران، ۱۳۸۹: ۵۶). به صورتی که، با وجود حقوق مالکیت ناقص و ضعیف در جوامع، منابع مالی و دارایی افراد ارزش واقعی خود را از دست داده و نمی‌توانند نقش وثایق معتبر را به خوبی بازی کنند؛ در نتیجه مالک آن‌ها نمی‌تواند استفاده لازم را جهت اخذ اعتبار به وسیله آن‌ها داشته باشد. «از دیدگاه اجرتسون^۱، حقوق مالکیت، حقوق افراد در استفاده از منابع می‌باشد. از دیدگاه وی دو مفهوم متمایز از حقوق مالکیت وجود دارد: ۱- حقوق مالکیت اقتصادی؛ ۲- حقوق مالکیت قانونی. حقوق مالکیت اقتصادی فرد روی یک کالا یا دارایی، توانایی افراد در مصرف کالا یا خدمات دارایی و به طور غیرمستقیم از طریق مبادله آن تعریف می‌شود. این توانایی شامل حق استفاده از یک دارایی، حق کسب درآمد از یک دارایی و قرارداد با سایر افراد و حق انتقال مالکیت دائم به گروه دیگر می‌باشد. اما حقوق مالکیت قانونی، حقوق مالکیتی است که توسط دولت به رسمیت شناخته شده و اعمال می‌شود. در واقع حقوق مالکیت قانونی، حقوقی است که از طریق دولت اعطا می‌شود و پشتیبانی برای بهره‌مندی از حقوق مالکیت اقتصادی است (صمدی و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۰).

هر اندازه حقوق مالکیت بهتر تصریح شده باشد، فایده‌های حاصل از تجارت افزایش خواهد یافت. تعریف حقوق مالکیت می‌تواند برانگیزه افراد در کارکردن، نگهداری و ارتقای اموال بادوام، پرهیز از نزاع و مواردی از این دست تأثیر مستقیم داشته باشد (شریف‌زاده و نادران، پیشین: ۵۷). در نگاه اول چنین به نظر می‌رسد که تضمین حقوق مالکیت ارتباطی با تخصیص بهینه منابع و فرصت‌های اقتصادی نداشته باشد؛ اما این دیدگاه اشتباه است. چرا که با تضمین حقوق مالکیت افراد حق و فرصت بهره‌برداری از منابع اقتصادی خویش را پیدا خواهند کرد. از آن‌جاکه عملکرد بهینه و عقلای اقتصادی در کاهش هزینه و افزایش سود اتفاق خواهد افتاد، لذا زمانی که فرد فرصت استفاده از منابع در دسترس و تحت مالکیت خویش را داشته باشد و هیچ تهدیدی مالکیت وی را به خطر نیندازد، بهره‌وری را افزایش خواهد داد. به عبارتی دیگر، وجود حقوق مالکیت تعریف شده در جامعه باعث می‌شود افراد از فرصت‌ها و منابعی که برای انجام فعالیت‌های اقتصادی در اختیار دارند، بدون هیچ نگرانی و تردیدی نهایت استفاده را بکنند. این اولین کانال اثرگذاری حقوق مالکیت بر تخصیص منابع و فرصت‌های اقتصادی است که به طور مستقیم بر آن اثرگذار است.

1. Ejerttson

تضمین حقوق مالکیت به طور غیرمستقیم نیز بر تخصیص منابع و فرصت‌ها تأثیرگذار خواهد بود. همان‌طور که در بخش دوم گفته شد، یکی از مصادیق نقض حقوق مالکیت زمانی بود که یک اعتباردهنده نمی‌تواند از سابقه اعتباری مشتری خود مطلع شود و هنگامی که مشتری از ایفای تعهدات خود طفره رود، نمی‌تواند وثایق اخذ شده را به اجرا گذارد و در نتیجه حقوقش نقض می‌گردد. در این وضعیت نه تنها فعالیت اعتباری غیراقتصادی می‌شود بلکه تامین اعتبار فعالیت‌های اقتصادی نیز پرهزینه می‌گردد. در این زمان و شرایط مشابه به این، عملاً اعطای یک فرصت اقتصادی به یک مشتری دیگر از میان می‌رود و در کشوری مانند ایران که مسائلی از این قبیل زیاد اتفاق می‌افتد، منابع و فرصت‌های اقتصادی و مالی بسیاری از کسانی سلب می‌شود که شایستگی و توانایی اجرای فعالیت‌های کارآ و مولد را در زمینه‌های مختلف دارند. بارزترین و تازه‌ترین مثال از این نمونه، دست‌درازی به اموال مردم از طریق اختلاس‌های چند هزار میلیاردی سال‌های اخیر بوده است که مانند چکمه بر سر تولیدات کارگاهی و کسب و کارهای کوچکی فرود آمد که به دلیل نداشتن سرمایه‌ای به اندازه یک دهم این مبالغ، به ورشکستگی و تعطیلی کشیده شدند. هم‌چنین تا کنون در ایران، سلب حقوق مالکیت فکری باعث عدم راه‌اندازی، ورشکستگی و تعطیلی کارخانه‌ها و تولیدی‌های بسیاری (مانند کفش ملی) گشته که منجر به بیکاری قشر وسیعی از طبقه متوسط و پایین جامعه گردیده است. اقتصاد مدرن نه تنها به حقوق مالکیت فیزیکی، بلکه به حقوق مالکیت فکری نیز متکی است. حقوق مالکیت فکری، حقوق انحصاری بر ساخته‌های ذهن و فکر هستند. ساخته‌هایی مثل اختراعات، کارهای ادبی و هنری، نمادها، نام‌ها، ایده‌ها، تصاویر و طرح‌هایی که در تجارت استفاده می‌شوند از جمله این حقوق هستند. اقتصاد جهانی به شدت به کالاهای مالکیت فکری، از هواپیما تا نرم‌افزار تجاری و از مواد دارویی تا تلفن همراه، وابسته شده است (Jackson, ۲۰۱۱: 37).

عدم حمایت از حقوق مالکیت فیزیکی و فکری، علاوه بر خروج نیروی کار ماهر، مستعد و نخبه، منجر به خروج سرمایه داخلی و عدم ورود سرمایه خارجی می‌شود. حقوق مالکیت باعث می‌شود که انگیزه سرمایه‌گذاری مولد برای افراد و بنگاه‌ها به وجود آید. در صورت تضمین حقوق مالکیت، بهره‌مندی اشخاصی که توانایی و مهارت لازم در استفاده از منابع و فرصت‌های اقتصادی را دارند، افزایش می‌یابد. کانال‌های وام‌دهی و اعتباردهی برای همه افراد مطابق حقوق مالکیت تعریف شده، سهل و کم‌هزینه خواهد بود. در حقیقت حمایت از حقوق مالکیت باعث می‌شود تخصیص منابع و فرصت‌های اقتصادی برای همه افراد فراهم آید. افزایش سرمایه‌گذاری‌ها و فعالیت‌های اقتصادی موجبات اشتغال نیروی کار فاقد سرمایه را نیز به وجود می‌آورد و بدین‌گونه فرصت‌های اقتصادی میان غالب مردم عادلانه‌تر و پراکنده‌تر توزیع می‌شود.

وقتی در یک جامعه حقوق مالکیت تضمین می‌شود، دارایی افراد به عنوان وثایق معتبر برای اخذ اعتبارات پذیرفته خواهد شد. از این طریق، منابع مالی لازم جهت سرمایه‌گذاری و انجام کسب و کار به سهولت فراهم می‌شود. تحت چنین شرایطی با راه‌اندازی پروژه‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری‌های متنوع، اشتغال‌زایی صورت خواهد گرفت. این تخصیص بهینه و گسترده باعث افزایش کارایی و بهره‌وری گشته و در ثبات سایر شرایط، تولید نیز افزایش می‌یابد.

در نتیجه، تضمین حقوق مالکیت فکری و فیزیکی از طریق افزایش اعتبار و وثایق بر تخصیص بهینه و عادلانه منابع و فرصت‌های اقتصادی اثرگذار خواهد بود.

۳-۳- رابطه تخصیص منابع بر حقوق مالکیت در اسلام

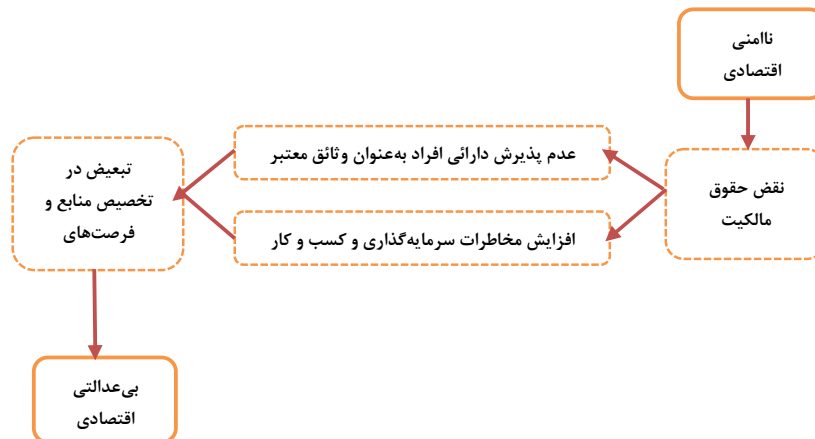
در این بخش، صحت و سقم مطالب فوق را در منابع اسلامی و روایات بزرگان دینی بررسی و تحلیل می‌نماییم. پیامبر(ص) دعای معروفی دارند که فرازهای آن به خوبی نتیجه ظلم و تبعیض را در جامعه بیان می‌کند. ایشان دارند. دعا این‌گونه آغاز می‌شود: «اللَّهُمَّ أَقْسِمَ لَنَا مِنْ خَشْيَتِكَ...» (ابن طائوس: ۳۵۰۲) جمله‌ای در این دعاست که می‌فرماید: «... وجعل ثارنا علی من ظلمنا... خدایا! انتقام ما را نسبت به آن کسانی قرار بده که به ما ظلم کردند...» «ثار» یا «ثأر» به معنی مکافات دادن است و اصطلاحاً حس انتقام‌جویی را می‌رساند. یعنی حضرت می‌فرماید در اثر ظلمی که به مردم بشود قهراً روحشان آزرده و انتقام‌جو و اصطلاحاً «ثأر» می‌شود. حس انتقام‌جویی به محض اینکه در روح و قلب آدمی متولد شود اثر خود را می‌گذارد حتی اگر در ظاهر بروز پیدا نکند. به گفته شهید مطهری: «کینه‌ها و عداوت‌هایی که در روح پیدا می‌شود ممکن است موقتاً به اعماق روح فرو برود و انسان به حسب شعور ظاهر خود آن‌ها را فراموش کند و از یاد ببرد، اما واقعاً محو نمی‌شود، در همان اعماق روح، بی‌خبر از شعور ظاهر و عقل ظاهر، مشغول فعالیت است که راهی پیدا کند و بیرون بیاید. (مطهری، پیشین: ۲۱) حال رسول اکرم(ص) از خدای متان طلب می‌کند این کینه و آتش انتقامی که در دل مظلوم زبانه می‌کشد کس دیگری را نسوزاند، همان شخص ظالم را بسوزاند. پیامبر(ص) چون علم لدنی دارد، می‌داند که ظلم، چنان کینه و عداوتی در قلب فرد به وجود می‌آورد که انسان دیگر به فرمان عقل سلیم عمل نمی‌کند. بلکه به فرمان همان عقده‌ها و بغض‌ها می‌خواهد انتقام بگیرد و دیگر ملاحظه نمی‌کند که دشمن را سرکوب می‌نماید یا کس دیگری را؛ لذا در دعای خود می‌خواهد در اعماق روح انسان در اثر بی‌عدالتی‌ها، مظلومیت‌ها و ناتوانی‌ها، عقده و «ثار»ی پیدا نشود که روح طبعاً آزرده، سرکش، بدخواه و ظالم بشود و از ظلم لذت ببرد و همان ظلمی که در حقش شده بر دیگران روا بدارد. یعنی از خداوند درخواست می‌کند ظلمی که یک نفر در جامعه مرتکب شده به دیگران سرایت نکند و ظلم و بی‌عدالتی همه‌گیر نشود.

رسول الله (ص) در حدیث دیگری فرموده‌اند: «إستووا تستو قلوبکم (نهج الفصاحه: ۲۸۷) یعنی با یکدیگر برابر شوید، تا دل‌های شما برابر و به هم نزدیک شود. یعنی اگر در تقسیم موهبت‌ها و نعمت‌های الهی میان مردم اختلاف و فاصله افتاد بین دل‌های ایشان هم قهراً فاصله می‌افتد، دیگر نمی‌توانند هم‌دلی و هم‌فکری داشته و در یک‌صف قرار گیرند، قهراً در دو صف مختلف قرار خواهند گرفت. اگر زمینه‌ها و فرصت‌های جامعه برای افراد به طور یکسان توزیع شود، آن چه تعیین‌کننده استحقاق و لیاقت افراد در تملک عائدی می‌باشد، میزان استعداد و تلاشی است که از خود نشان داده‌اند پس نمی‌توان ادعا کرد که تقسیم مساوی درآمد و عائدی میان مردم، عدالت است. در حقیقت معنای رعایت عدالت، تخصیص عادلانه با معیار برابری و توزیع عادلانه با معیار استحقاق می‌باشد (مطهری، ۱۳۵۲: ۳۵). به جز تبعیض‌ها و تفاوت‌های طبیعی که به علت نوع متفاوت خلقت افراد وجود دارد، نباید تبعیض و ناهمواری دیگری به طور غیرطبیعی و قهری وجود داشته باشد. نباید میان شهری و روستایی، سیاه و سفید، زن و مرد و... تبعیضی باشد که از این ویژگی‌ها نشأت گرفته است. شرایط کسب و کار باید برای عموم مردم در عرصه‌های اقتصادی جامعه به طور یکسان مهیا و در دسترس باشد تا افراد، توانایی شرکت در رقابت برابر را داشته باشند. همه مردم باید به طور برابر از منابع سهم ببرند. پس از آن، هر کس براساس میزان استعداد و مهارت و همچنین سعی و تلاش خودش نتیجه مطلوب را کسب کند.

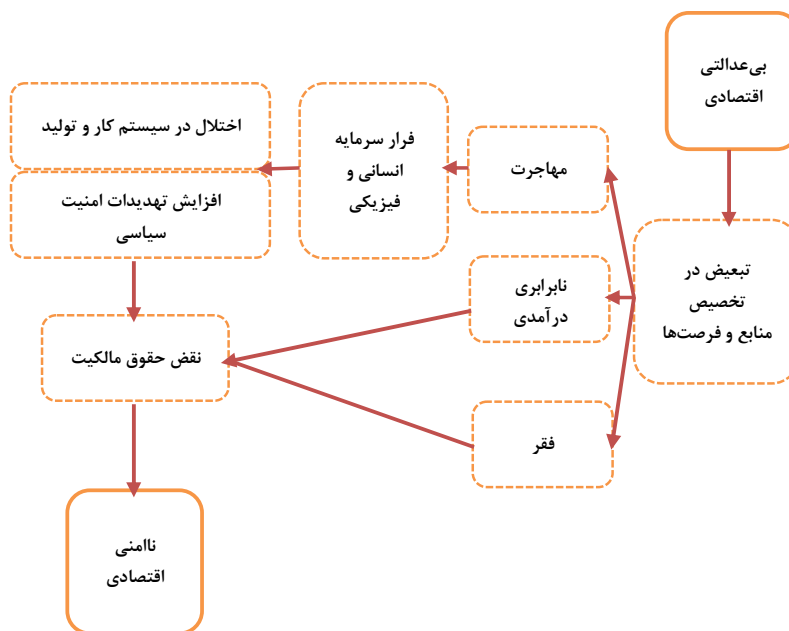
نتیجه‌گیری

اجرای عدالت و در پی آن رفع تبعیضات و نابرابری‌ها، از ضروریات همه جوامع و مکاتب به خصوص مکتب اسلامی می‌باشد. از سوی دیگر، ایجاد فضایی مطمئن برای راه‌اندازی کسب و کار و حمایت از حقوق مالکیت افراد، منجر به تحقق امنیت اقتصادی در جامعه می‌گردد. در این مقاله سعی شد تا با بررسی دو عنصر از این دو حوزه مهم و گسترده اقتصادی، یعنی شاخص حقوق مالکیت و تخصیص منابع و فرصت‌های اقتصادی، رابطه آن‌ها تبیین گشته و کانال‌های اثرگذاری هر یک بر دیگری مشخص شود. در این راستا، تخصیص منابع و فرصت‌های اقتصادی از طریق سه کانال بر حقوق مالکیت اثرگذار است و حقوق مالکیت از طریق یک کانال بر تخصیص منابع و فرصت‌های اقتصادی موثر می‌باشد. که این کانال‌های اثرگذاری دوطرفه در شکل زیر مشخص شده‌اند.

شکل ۱: کانال‌های اثرگذاری تخصیص منابع بر حقوق مالکیت



شکل ۲: کانال‌های اثرگذاری حقوق مالکیت بر تخصیص منابع



پیشنهادهای

۱. چون میان شاخص حقوق مالکیت و تخصیص منابع و فرصت‌های اقتصادی رابطه متقابل و مستقیم وجود دارد، پس لازم است تصمیمات اجرایی که در خصوص شفافیت و تضمین حقوق مالکیت صورت می‌گیرد به گونه‌ای باشد تا تأثیر مثبت و متقابل آن بر تخصیص منابع منجر به تحقق شرایط عادلانه اقتصادی هم بشود.
۲. هم‌چنین راهکارهای موثر در تخصیص عادلانه منابع و فرصت‌ها طوری تعیین گردد که به علت رابطه متقابل و دوسویه منجر به تضمین و حمایت از حقوق مالکیت نیز شود.

منابع

۱. ابن طائوس، علی بن موسی، مهج الدعوات و منهج العبادات، کتابخانه سنائی، بی تا.
۲. پیکتی، توماس، سرمایه در قرن بیست و یکم، ترجمه اصلا ن قودجانی، نقد فرهنگ، تهران، ۱۳۹۳.
۳. تودارو، مایکل پی و استفن اسمیت، توسعه اقتصادی، ترجمه وحید محمودی، تهران، نشر نگاه دانش، ۱۳۹۱.
۴. خلیلی تیر تاشی، نصرالله، اندیشه های اقتصادی ابن خلدون، تهران، نشر مرکز نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، پاییز ۱۳۸۰.
۵. دمستر، هارولد، به سوی یک تئوری حقوق مالکیت، ترجمه محسن رنانی، فصلنامه پژوهش در تأمین اجتماعی، ش ۱۰، ۱۳۸۰.
۶. رنانی، محسن، بازار یا نابازار؟ بررسی موانع نهادی کارایی نظام اقتصادی بازار در اقتصاد ایران، چاپ دوم، تهران، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۷۶.
۷. شریف زاده، محمد جواد و الیاس نادران (۱۳۸۹)، تحلیل اقتصادی حقوق مالکیت در اسلام (با تأکید بر مفهوم هزینه های مبادله)، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۳۶.
۸. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه: سخنان گهربار پیامبر اعظم، ترجمه محسن شیرمحمدی، چاپ اول، سایه گستر، مهرگان دانش، ۱۳۸۶.
۹. صمدی، حسینعلی، محسن رنانی و رحیم دلالی اصفهانی، «مفهوم و آثار اقتصادی حقوق مالکیت: رویکرد نهادگرایی»، فصلنامه حقوق، ش ۱۲، ۱۳۸۹.
۱۰. عزتی، مرتضی، اله مراد سیف و مجتبی ملکی شهریور، «شاخص سازی تبعیض اقتصادی به عنوان زمینه ساز تهدید نرم و ارزیابی آن در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال ۱۶، شماره ۹۱، زمستان ۱۳۹۲.
۱۱. عمید، حسن، فرهنگ عمید: فرهنگ مفصل و مصور: فارسی به فارسی، چاپ اول، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۵.
۱۲. گریفن، کیث و تری مک کنلی، توسعه انسانی دیدگاه و راهبرد، ترجمه غلامرضا خواجه پور، تهران، ناشر و داد، تابستان ۱۳۷۷.
۱۳. مطهری، مرتضی، عدل الهی، انتشارات صدرا، چاپ دوم، ۱۳۵۲.
۱۴. مطهری، مرتضی، بیست گفتار، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۵۸.

۱۵. نیسی، خدیجه و منوچهر جوانمردی، «بررسی شاخص‌های توسعه انسانی با تاکید بر تبعیض و نابرابری جنسیتی در نواحی روستایی»، فصلنامه علمی - پژوهشی زن و فرهنگ، سال ۷، شماره ۲۵، پاییز ۱۳۹۴.

16. Andrew P. Morriss, "The Economics of Property Rights: The Voluntary Transaction-Driven Evolution of Property Rights is a Hayekian Spontaneous Order", Volume: 57, Issue: 2, March 2007.

17. Kyle A. Jackson, International Property Rights Index; 2011 Report, Washington D.C., Americans for Tax Reform Foundation, Property Rights Alliance, 2011.

